پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹، صص ۵۶ – ۳۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۲۰۲

اهمیت نقش و جایگاه دیپلماسی فرهنگی در بسط روابط ایران و ازبکستان

سیدهادی زرقانی[۱]
ابراهیم احمدی[۲]
علی حکیمی‌خرم[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۸

چکیده

«دیپلماسی فرهنگی» رویکردی است مبتنی بر نقش و جایگاه عوامل پیوندگر «فرهنگ» در روابط میان کشورها و ملت‌ها. هدف نهایی این‌گونه از دیپلماسی- در یک فضای صمیمانه، همگرا و بدور از تشنج، ارائه یک تصویر مطلوب از روابط همه‌جانبه، بر اساس اشتراکات تمدنی- فرهنگی و هویتی میان کشورهاست. روابط ایران و ازبکستان با وجود علقه و عقبه‌های غنی فرهنگی در طول کمتر از سه دهه (از۱۹۹۱م)، همواره دچار ضعف و نوسان بوده است. با مرگ اسلام کریم‌اف (۲ سپتامبر ۲۰۱۶) و روی کار آمدن شوکت میرضیایف (۱۴ دسامبر ۲۰۱۶)، فصل جدیدی در روابط خارجی ازبکستان با سایر کشورها و از جمله ایران آغاز شد. براساس سیاست تداوم و تغییر با کمی انعطاف بیشتر، دولت جدید خواستار تعمیق و گسترش روابط دوستانه با ایران است. دراین راستا سوال اصلی مقاله پیشرو این گونه است؛ با عطف به پیشینه تاریخی- تمدنی ایران در آسیای مرکزی به‌طور عام و ازبکستان به طور خاص، ایران و ازبکستان چگونه می‌توانند روابط همگرا و روبه جلویی داشته باشند؟ ازآنجایی که ازبکستان (همانند اغلب جمهوری-های آسیای مرکز) عقبه تمدنی و فرهنگی ایران به حساب می‌آید، دو کشور قادرند در چارچوب «دیپلماسی فرهنگی»، ضمن خنثی کردن زمینه‌های تهدید، روابط همگرا و روبه رشدی را در همه زمینه‌ها دنبال نمایند. ازاین‌حیث در روابط و تعاملات فرهنگی- تمدنی ایران و ازبکستان، مؤلفه‌هایی همچون اسلام به‌عنوان دین مشترک، زبان فارسی، مفاخر مشترک، حضور فرهنگ ایران در ازبکستان، جذابیت‌های میراث تمدنی، تاریخی و طبیعی، توریسم، اقتصاد و... وجود دارد که می‌تواند موجب تقویت روابط دو کشور شود.

واژه‌های کلیدی: آسیای مرکزی، ایران، ازبکستان، دیپلماسی فرهنگی، سازه‌انگاری. .

۱. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. h-zarghani@um.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) e_ahmadi@modares.ac.ir
۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. Lowtheam@gmail.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

مقدمه

عامل فرهنگ در میان عناصر سیاست خارجی کشورها که شامل مؤلفه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود، پایدارترین و اثرگذارترین عنصر است که به تحقق سایر اهداف کمک شایانی می‌نماید. در این چارچوب، بعد مهمی از سیاست خارجی کشورها را «دیپلماسی فرهنگی» تشکیل می‌دهد. «دیپلماسی فرهنگی» به کشورها اجازه می‌دهد که به طور مستقیم با مردمان سرزمین‌های خارجی شامل مردم عادی و رهبران، رابطه پایدار معنوی برقرار کرده و از آن در جهت اهداف سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی بهره‌برداری نمایند. این دیپلماسی به ویژه میان ملت‌هایی که دارای فرهنگ و تمدن مشترک هستند، کاربردی‌تر است. (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵: ۲) دراین راستا، ازبکستان به دلیل حضور در ژئوکالچر و حوزه تمدنی ایران، نسبت به سایر جمهوری‌های نزدیک خود، حکم پدر فرهنگی را دارد. به رغم پیوند فرهنگی و قرابت و خویشاوندی تاجیک‌ها با ایرانی‌ها، ازبک‌ها نسبت به آنها سابقه روشن‌تر و برجسته–تری دارند. (حق‌پناه و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۶)

بااین‌حال پیشینه روابط ایران و ازبکستان نشان می‌دهد، دو کشور با وجود نیازمندی‌های دوجانبه و زمینه‌های همکاری در مسائل مختلف مسائل منطقه‌ای، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... به‌عنوان دوکشور مسلمان و با برخورداری از عقبه‌های همپوشان تمدنی– فرهنگی، آن‌گونه که باید، فاقد یک روابط جدی و صمیمانه هستند. اصولاً این سردی و بی‌رغبتی روابط بیشتر از ناحیه ازبکستان و بدبینی شخص اسلام کریم‌اف، رئیس دولت پیشین ازبکستان بوده– که اصولاً نسبت به برقراری روابط حسنه با محیط پیرامون؛ سیاست خارجی بسته، بی‌ثبات و ناپایداری داشته است.

درمجموع حاکمیت ۲۵ ساله کریم‌اف (از ۲۴ مارس ۱۹۹۱ تا ۲ سپتامبر ۲۰۱۶)، لطمه زیادی به وجهه ازبکستان در سطح بین‌الملل و محیط همسایگان وارد ساخت، که نتیجه آن بی‌اعتمادی بیشتر به این کشور بوده است. بررسی تحرکات و دگرگونی‌ها در سیاست خارجی ازبکستان طی سال‌های پس از استقلال، گویای آن است که سیاست خارجی ازبکستان مانند سیاست برخی از کشورهای هم‌جوار در منطقه خصوصیتی کاملاً پراگماتیک دارد. ازبکستان از سال ۱۹۹۱ که اتحاد جماهیر شوروی فرو پاشید در تنظیم روابط خارجی خود، نزدیکی به آمریکا و اسرائیل و دوری از روسیه، چین و ایران (سه قدرت منطقه) را محور قرار داد. در این

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

سیاست آمریکا، به اساسی‌ترین متحد دولت تاشکند در منطقه تبدیل شد و تاشکند گرم‌ترین رابطه را در مقایسه با دولت‌های منطقه با اسرائیل برقرار نمود.

ایران در ۱۹۹۱ جمهوری ازبکستان را به رسمیت شناخت. در ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ دو طرف نخستین نمایندگان سیاسی خود را به تاشکند و تهران فرستادند و در سال ۱۹۹۵ روابط خویش را به سطح سفیر ارتقاء دادند. بااین‌حال روابط دو کشور در طول بیش از دو دهه (تا ۲۰۱۶) پیشرفت چندانی نداشته و حتی روند کاهشی داشت. درحقیقت از همان ابتدای استقلال ازبکستان (در اواخر ۱۹۹۱)، بدبینی اسلام کریم‌اف نسبت به ایران به عنوان بزرگترین تهدید بنیادگرایی انقلابی- اسلامی نمو پیدا کرده بود: زیرا وی همواره نگران گروهای ملهم از انقلاب شیعی ایران بوده که قادرند رژیم وی را به چالش بکشانند. (پالتز، ۲۰۱۸)[1]

به‌طور کلی متغیرهایی چون نظام سیاسی متفاوت دو کشور، بدبینی به نیات ایران، ترس از فعالیت گروه‌ها و احزاب سیاسی اسلامی، هراس از نفوذ ایران در منطقه و ازبکستان، وجود اقلیت تاجیک و فارس زبان در ازبکستان، روابط خوب ایران با تاجیکستان و ازسویی تیره بودن روابط تاجیکستان و ازبکستان در کنار عوامل ژئوپلیتیکی چون نبود مرز مشترک دو کشور و نقش بازیگران خارجی در زمره عواملی‌اند که در گذشته مانع توسعه روابط دو کشور شده بود. با این‌حال به منظور اصلاح سیاست پیشین، رئیس جمهور ضیایف، با اتخاذ سیاست عمل-گرایانه، مشتاقِ سرمایه‌گذاری‌های کلان بین‌المللی، بهبود تصویر کشور در خارج، خروج از انزواطلبی و ایجاد روابط مطلوب با تمامی همسایگان (حتی تاجیکستان) و کشورهای منطقه (فازین دیرو، ۲۰۰۸: ۲۴۰)[2] از جمله ایران است. ازاین‌روی با توسعه روابط با تاجیکستان (دوست ایران و رقیب ازبکستان) به دنبال گذار از روابط بسته دوران کریم‌اف است. ازسویی در دولت جدید نگاه تاشکند به حضور فرهنگی ایران در حال بازساخت و بازتعریف است، که لازم است ایران از این وضعیت پیش آمده استفاده نماید.

۳) مفاهیم اصلی و چارچوب نظری

دیپلماسی

دیپلماسی، هنر و فن اداره سیاست خارجی، تنظیم روابط بین‌المللی و حل‌وفصل اختلافات

1. Putz
2. Fazendeiro

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

بین‌المللی از طریق شیوه‌های مسالمت‌آمیز تعریف می‌شود. هانس مورگنتا معتقد است که دیپلماسی، هنر مرتبط ساختن عناصر قدرت ملی به مؤثرترین شکل با آن دسته از ویژگی‌های شرایط بین‌لمللی است که به منافع ملی مرتبط می‌شود. همچنین می‌توان دیپلماسی را دانش ارتباط میان سیاست‌مداران و سران کشورهای جهان دانست. دیپلماسی می‌تواند در اشکال مختلفی از طریق مذاکرات صلح، قانون اساسی نانوشته، تجارب کشورها در روابط بین‌المللی، سیاست خارجی و غیره اعمال شود. (شهرام‌نیا و نظیفی، ۱۳۹۳: ۵۰)

دیپلماسی عمومی

در دیپلماسی عمومی، تلاش‌ها و اقدامات حکومت و دولت‌ها برای تاثیرگذاری بر اذهان و افکار نخبگان و عامه مردم با استفاده از طیف وسیعی از برنامه‌های تبادل علمی، فرهنگی و رسانه‌ای، برای بسیج منابع جهت ایجاد ارتباط و جذب توده کشورهای دیگر ارزیابی می‌شود و با این نیت صورت می‌گیرد که کشور هدف، سیاست‌ها، ایده‌ها و آرمان‌های کشور عامل را خودی تلقی نموده و با آن احساس قرابت نماید. (التیامی‌نیا و تفوائی‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۷۴) در این نوع دیپلماسی لازم است ارتباط گسترده با گروه‌های مرجع، رهبران احزاب سیاسی، گروه‌های ذی نفع و ذی نفوذ، نخبگان سیاسی، فرهنگی، علمی و رسانه‌ای به عنوان سازندگان افکار عمومی و کلیه شهروندان جهت شکل‌دهی به افکار عمومی و هماهنگ سازی افکار آنان با اهداف سیاست خارجی صورت گیرد. (دهقانی‌فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۷۲-۷۳)

قدرت نرم

قدرت نرم معمولاً در مقابل قدرت نظامی و تسلیحاتی و در مواردی قدرت اقتصادی و به عبارتی قدرت سخت و خشن به کار می‌رود. هسته بنیادین مفهوم قدرت سوای جنبه‌های گوناگون آن، به‌کارگیری منابع در راستای تحقق نتایج مطلوب با عطف به راهبرد مناسب است، به‌طوری که این نوع از قدرت اغلب ناشی از جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌آل‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور، به‌معنای تحت تأثیر قرار دادن دیگران برای کسب نتایج مورد نظر است. (نای، ۲۰۱۱: ۶)[1]

1. Nye

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

به‌طور معمول کشورهایی که از مولفه‌های نرم‌افزاری بیشتری برخوردار باشند امکان تأثیرگزاری بیشتری در روابط دو یا چندجانبه دارند؛ به‌همین دلیل متوسل شدن به شیوه خاصی از سیاست خارجی و شیوه‌های کارآمدتری از دیپلماسی (دیپلماسی عمومی و فرهنگی) در چارچوب قدرت نرم قابل فهم است.

فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی

فرهنگ به عنوان یک کل پیچیده، مجموعه شترکی از اندیشه‌ها و دستاوردها، شامل دانش، باور، هنر، رفتار، اخلاقیات، قانون، رسوم و هر قابلیت و یا عادات اکتسابی دیگری در ارتباطات بین فردی، جامعه و محیط پیرامون است؛ به همین دلیل اهمیت کاربری فرهنگ در رابطه با دیپلماسی و سیاست خارجی به عنوان یک سازمان مشترک اجتماعی از جهت سازگاری کلی با نیازهای غریزی، فطری، سیاسی و اقتصادی سازه‌های انسانی در تعامل با محیط جغرافیایی (ملی و فراملی) است. از این نگاه، دیپلماسی فرهنگی یکی از عوامل انگاره‌ساز است. انگاره‌ای که در هر کشور ناشی از سرمایه‌های هویتی و فرهنگی او است. لذا، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از مبادلهٔ ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوهٔ زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها. (کامینگز، ۲۰۰۳: ۱)[1]

چارچوب نظری (سازه‌انگاری و نقش فرهنگ در عرصه سیاست خارجی)

ازآنجایی که ملاحظات سیاسی، اقتصادی و امنیتی به‌طور سُنّتی سه حوزهٔ بنیادین در مباحث سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد؛ لذا در عرف نظام بین‌الملل، سیاست خارجی کشورها با هدف تأمین منافع ملی کشور در سه حوزهٔ پیش گفته طراحی و با سازوکارها و ابزارهایی از همین سه جنس عملیاتی و اجرایی می‌شود. ازینرو به باور بسیاری از صاحب‌نظران علم روابط بین‌الملل، «فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی» رکن چهارم سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد که در بسیاری از مواقع لایه‌های زیرین سه حوزهٔ دیگر نیز از آن منبعث می‌گردد. (خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۶)

1. Cummings

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

در عرصه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی جدید؛ پسامدرن‌ها، فرااثبات‌گرایان و به‌طور خاص نظریه‌پردازان سازه انگاری، معرفتی چند وجهی را تبیین می‌نمایند که تنها متکی بر ابزراهای پوزیتویستی، عقل‌گرایی مطلق، فردگرایی و ماده‌گرایی نیستند. توجه به ابزارهای غیرمادی قدرت، بازیگران غیردولتی، فرهنگ، زبان، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در کانون توجه نظریه‌پردازی جدید، از کلیدی‌ترین مباحث حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل محسوب می‌شوند. نظریه‌پردازان سازه‌انگاری سیاست بین‌الملل را نه در حد یک سلسله تعاملات و رفتارهای عقلایی در چهار چوب صرفاً مادی، بلکه آن را نوعی الگوی رفتاری می‌دانند که از طریق هویت‌ها و ارزش‌های اجتماعی سامان‌دهی می‌شود. به‌همین سبب سازه‌انگاران یکی از دلایل ناکامی رئالیست‌ها و لیبرال‌ها را در تجزیه و تحلیل درستِ مسائل بین‌المللی در بی-توجهی به بخش فرهنگی می‌دانند.

براین‌اساس گفته می‌شود تأکید بیش از حد خردگرایی بر ابعاد عینی روابط بین‌الملل و نادیده گرفتن ابعاد ذهنی که فرهنگ در قلب آن قرار دارد باعث بروز مشکلات فراوانی در عرصهٔ روابط بین‌الملل در سطح نظری و عملی شده است. (تقی‌پور، ۱۳۹۶: ۷۶) ازهمین روی طرفداران سازه انگاری درصددند نشان دهند که منافع صرفاً مادی نیستند، بلکه بسیاری از منافع جنبه ذهنی و غیرمادی دارد. (گوزینی و لئاندر، ۲۰۰۶: ۱۷۲)[1] از دیدگاه سازه‌انگاران نظام بین-الملل متشکل از توزیع انگاره‌ها است و در توزیع توانمندی‌های مادی و اولویت در مناظره ماده و معنا، انگاره‌ها و هویت دارای اهمیت بیشتری هستند. بعد هستی‌شناسی که از جمله گزاره‌های مهم فرانظری سازه‌انگاری است، شامل سه گزاره مهم و بنیادین است:

۱. ساختار فکری به انداز ساختاری‌های مادی اهمیت دارد؛

۲. گزارهٔ هویت‌ها هستند که به منافع و کنش‌ها شکل می‌دهند؛ و

۳. کارگزاران و ساختارها متقابل به هم شکل می‌دهند. (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۹)

درحقیقت سازه‌انگاری قائل به دیدگاه بینابینی است: یعنی از یک سو به نقش ایده‌ها، ذهنیات، قواعد، هنجارها، فرهنگ و رویه‌ها توجه دارد و از سوی دیگر نقش عوامل مادی و فیزیکی را کاملاً مردود نمی‌داند.

در مجموع ازحیث سازه‌انگاری، فرهنگ، میراث و منابع هویتی- فرهنگی (زبان، قومیت،

1. Guzzini and Leander

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

مذهب، تاریخ، ادبیات، اسطوره‌ها، یادبودها، بناهای تاریخی و...) به مثابه ساختارهای معنوی در ساخت‌یابی سازه‌ها و انگاره‌های ذهنی سیاست‌مداران از جمله عوامل داخلی شکل دهنده به مبانی هویتی کشورها در عرصه روابط بین‌الملل می‌باشند که می‌تواند کنش و واکنش یک کشور را در عرصه سیاست خارجی رقم بزند. به دیگر تعبیر، این ساختار هویتی است که منافع ملی را تعریف می‌کند. (واهیو، ۲۰۱۳: ۱۵)[1]

مولفه‌های فرهنگ، همچنین توانایی تاثیرگذاری بر نگرش نخبگان و دولتمردان و همچنین جامعه یک کشور را داشته و از این قابلیت نیز برخوردار می‌باشد که نحوه‌ی عملکرد آنها را در عرصه‌های مختلف تعیین نماید. نتیجه طبیعی این تلقی در تبیین رفتار و سیاست خارجی یک کشور آن است که دولت‌ها بر اساس هویت زمینه‌مند خود، جهان را برای خود می‌سازند و براساس آن دست به کنش می‌زنند و در این کنش متقابل، واقعیت‌های نظام بین‌الملل را می‌سازند، ولی متقابلاً نیز در رابطه با آن ساخته می‌شوند و هویت آنها دچار دگرگونی می‌شود. در اینجا دولت‌ها، در مقام بازیگران صحنه بین‌المللی «تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام می‌کنند و در نهایت اجرا می‌کنند». ولی آنها همه این کارها را براساس چارچوب درک خود از جهان انجام می‌دهند. (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۷) از این تعبیر می‌توان استنباط کرد که دولت‌ها در چارچوب تفسیری خود، زبان واژگان خاصی را به وجود می‌آورند که دارای دلالت‌های ارزشی، در باب دوگانه‌هایی متضادی از دوستان و دشمنان و خوب و بد است (همان: ۲۲۱)، که می‌تواند ترسیم کننده یک سیاست خارجی خصمانه، منزوی، ایدئولوژیک، واقعیت‌گرا و یا توسعه‌گرا باشد.

بدیهی است که شناسایی مؤلفه‌های شکل دهنده به مبانی هویتی یک کشور (هویت جمعی و اجتماعی) و از آن جمله تمرکز بر صنایع هویت فرهنگی (به مثابه ابزارهای همگرایی و توسعه)، کمک بسیار مؤثری در بسط روابط مطلوب آنها با دیگر کشورها، در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی می‌نماید.

۴) روش شناسی و شیوه تحقیق

این پژوهش بر اساس ماهیت و روش، توصیفی- تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز، به شیوه

1. Wahyu

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

اسنادی و با مراجعه به منابع معتبر چون کتب، مقالات و گزارش‌های معتبر گردآوری شده است.

۵) یافته‌های پژوهش

۵-۱) ایران و سیاست خارجی جدید ازبکستان

با روی کار آمدن شوکت میرضیایف (۱۴ دسامبر ۲۰۱۶)، سیاست داخلی و خارجی ازبکستان نوین به‌منظور فراهم‌آوری زمینه‌های توسعه و تعامل با نیروهای درونی و بیرونی، مورد بازنگری و بازبینی اساسی قرار گرفته است. در بعد داخلی وی سیاست اصلاح را نسبت به رویکرهای گذشته (دولت کریم‌اف) در پیش گرفته است. دولت جدید، تمرکز سیاست داخلی را مبنی بر اصلاح ساختارها از جمله تقویت جامعه مدنی، تلاش برای اصلاح حقوق بشر، تقویت رقابت-های سیاسی، تلاش برای اصلاح ساختار اقتصادی، تغییر روابط بنیادین میان شهروندان و دولت، تلاش برای برقراری توسعه ناحیه‌ای و... عنوان کرده است. همچنین برنامه توسعه، موسوم به «راهبرد اقدام در پنج اولویت جمهوری ازبکستان» با اهدافی چون نوسازی در بخش مدیریت دولتی، باسازی سیستم قضایی، آزادسازی اقتصادی و انجام اصلاحات در بخش‌های مختلف اجتماعی در دستور کار دولت جدید قرار گرفته است، که اهداف عمده‌ای چون رونق صنعت گردشگری، توسعه مدرن منطقه‌ای به وسیله تعادل اجتماعی- اقتصادی، استفاده از مؤثر از منابع طبیعی، معدنی، صنعتی، کشاورزی و توریستی در منطقه برای تسریع توسعه اجتماعی و اقتصادی و افزایش استانداردهای زندگی و درآمد مردم را دنبال می‌نماید. (بویور، ۲۰۱۸: ۶؛ عبدوگانیویچ، ۲۰۱۷: ۴۸۲)[1]

در بعد خارجی دولت جدید درصدد استفاده از همه ظرفیت‌ها در عرصه‌ی معادلات سیاسی با بازتعریف سیاست خارجی نو و مستقل و فاصله گرفتن از رفتارهای دولت پیشین است. هدف سیاست خارجی دولت جدید، نقش‌آفرینی مؤثرتر در منطقه و ارتباط‌گیری گسترده با بسیاری از کشورهای منطقه و جهان است. میرضیایف طی یک سخنرانی در مجلس عالی ازبکستان (۲۳ آوریل ۲۰۱۷) چارچوب جدید سیاست خارجی ازبکستان جدید را چنین معرفی کرد: ۱) عدم مشارکت ازبکستان در بلوک‌های نظامی و سیاسی، غیراز هیئت‌های پاسدار صلح؛ ۲) عدم موافقت با تأسیس پایگاه‌های نظامی خارجی در خاک ازبکستان؛ ۳)

1. Bowyer & Abduganievich

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

مشارکت استراتژیک و توازن پایدار با همه قدرت‌ها که شامل روسیه، آمریکا، چین و اتحادیه اروپا می‌شود؛ ۴) توجه خاص به سازمان‌های مشترک‌المنافع و در رأس آنها سازمان همکاری شانگهای؛ ۵) معرفی برندهای ازبکی به بازارهای جهانی؛ و ۶) توسعه توریسم و کسب سرمایه گذاری خارجی. این رویکرد جدید در سیاست داخلی و خارجی ازبکستان، ضمن فرآهم‌آوری فرصت‌های اقتصادی برای شهروندان، ظرفیت منطقه‌ای ازبکستان را برای مدیریت تهدیدهای فراملی حتی فراتر از آسیای مرکزی تقویت می‌کند و منجر به انسجام جغرافیایی ازبکستان تا قلب اوراسیا می‌شود. (ویتز و هربست، ۲۰۱۸)[1]

به‌طور اجمالی در رویکرد خارجی، ازبکستان جدید خواهان روابط مطلوب با همه همسایگان (حتی تاجیکستان) و کشورهای منطقه از جمله ایران است. ازاین‌رو با گسترش روابط تاجیکستان (دوست ایران و رقیب ازبکستان) و ازبکستان و گذار از روابط بسته دوران کریم‌اف، نگاه تاشکند به حضور فرهنگی ایران نیز تغییر کرده است. از زمان روی کارآمد میرضیایف، جدای از نشست معاونین وزرای خارجه ایران و ازبکستان در تاشکند پس از یک وقفه طولانی، در حاشیه نشست سران کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در قزاقستان، ضیایف در دیدار با دکتر روحانی خواستار گسترش مناسبات همه‌جانبه با ایران شده است. همچنین سفر عبدالعزیز کامل‌اف؛ وزیر خارجه ازبکستان به تهران در مهر ۱۳۹۶ و متقابلاً سفر دکتر ظریف به تاشکند در آبان ۱۳۹۶ و فعال شدن کمیسیون اقتصادی مشترک دو کشور از جمله تحولات مثبتی است که در روابط تهران و تاشکند روی داده است. (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۸)

بانظر به متغیرهایی چون حمایت تاشکند از عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای برخلاف برخی دوره‌ها، دعوت از دکتر روحانی برای سفر رسمی به ازبکستان و اعلام آمادگی برای بسط روابط دوجانبه در حوزه‌های موردعلاقه (رمضانی بونش، ۱۳۹۶: ۲)، ایران باید از این موقعیت نهایت استفاده را ببرد. در چنین فضای مثبتی بر خلاف دولت گذشته، به‌نظر می‌رسد روابط ایران و ازبکستان روبه بهبود باشد. دو کشور قادرند با تمرکز بر راهبرد «دیپلماسی فرهنگی»، روابط مابین را در همه زمینه‌ها (اقتصادی، سیاسی، امنیتی و...) بسط و توسعه دهند. لازم است در این زمینه ایران پیش قدم شود، زیرا برقراری روابط نزدیک ایران

1. Weitz & Herbst

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

با ازبکستان به مفهوم نزدیکی بیشتر به سایر کشورهای آسیای مرکزی است. (امیراحمدیان، ۱۳۹۷) علاوه‌براین، با توجه به تحرکات دیپلماتیک رقبای منطقه‌ای ایران از جمله ترکیه و نیز اروپا و آمریکا در توسعه مناسبات با دولت ازبکستان، تاخیر بیشتر در این زمینه به مصلحت سیاست خارجی و منافع ملی کشور نخواهد بود. (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۸)

۵-۲) پیوندهای هویتی - تمدنی ایران و ازبکستان

ایران امروز بعد از گذشت قرن‌های متوالی دارای مرزهای سیاسی و جغرافیایی مشخصی است که در نقشه‌های جغرافیا پیداست؛ ولی «مرزهای ناپیدایی» دارد که آن را حوزهٔ تمدن، فرهنگ و تاریخ ایران می‌دانیم. پهنه‌ای که در شمال تا رود سیحون، در شرق تا ترکستان چین، در غرب تا کرانه‌های مدیترانه (ترکیهٔ فعلی) و در جنوب تا شمال هند و کشمیر و بنگال گسترده است. (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۹: ۳-۱۵) این حوزهٔ تمدنی شامل ایران، آسیای مرکزی (ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان)، افغانستان و قفقاز (آذربایجان، گرجستان و ارمنستان) تبت و پامیر، شبه‌قاره (پاکستان، هند و بنگلادش)، آسیای صغیر، بالکان و شامات قدیم (ترکیه، بوسنی، سوریه و عراق) را شامل می‌شود. میان کشورهای حوزهٔ تمدنی ایران، آسیای مرکزی جایگاه ویژه‌ای دارد. (خدایار، ۱۳۹۷: ۵) سرزمین امروزی ازبکستان در اواخر قرن ۱۹ میلادی قبل از اینکه ضمیمه خاک روسیه شود، ترکستان[1] نام داشت. ترکستان در قرن ششم قبل از میلاد بخشی از امپراتوری بزرگ هخامنشینی بوده که بعداً توسط ترک‌ها، ارتش اسکندر مقدونی، اعراب و مغول‌ها فتح شد؛ بااین‌حال مردم این خاک با وجود امواج پیوسته مهاجمان، توانستند میراث فارسی خود را در طول تاریخ حفظ نمایند. در مجموع، اشتراکات فرهنگی و تمدنی و متعلق بودن ازبکستان به حوزه فرهنگی- تمدنی ایران در دوره‌های قبل می‌تواند به عنوان یک عامل پیوند دهنده عمل نماید. این عوامل به شرح ذیل است:

الف) عامل دین

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نقش مؤثر اسلام به‌عنوان منشاء ثروت معنوی ملت اُزبک یا همان مفهوم میراث ملی که به فراموشی سپرده شده بود، بار دیگر مطرح شد. (کولایی و خوانساری،۱۳۹۱: ۶۹) براین‌اساس به‌نظر می‌رسد مشترکات دینی ناشی از دین اسلام

۱. ترکستان شامل اکثر مناطق ترکمن نشین امروز؛ جمهوری‌های ازبک، تاجیک و قرقیزستان و بخش جنوبی جمهوری قزاقستان است. (Country Watch, 2018: 6)

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

همچون قرآن، حج، نماز، روزه، اعیاد و مراسمات مذهبی و... می‌تواند عامل پیوند فرهنگی بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی همچون ازبکستان باشد؛ به‌ویژه آنکه اسلام در آسیای مرکزی با سُنّت‌ها و فرهنگ ایرانی پیوند خورده است.

ب) عامل زبان

زبان به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم از ابزار ارزشمند برای کاربست دیپلماسی فرهنگی است. (درخشه و کلیشمی، ۱۳۹۶، ۳۷) خانواده زبان فارسی در سرتاسر جغرافیای آسیای میانه گستره دارد. به‌عنوان نمونه، زبان سُغدی که یکی از زبان‌های گروه شرقی ایرانی میانه، زبان ناحیه‌ی حاصلخیز سُغد، واقع در میان دو رود سیحون و جیحون، بوده است. (زرشناس، ۱۳۷۴ :۱۲۷)

همچنین زبان یغنونی که از بازماندگان یکی از لهجه‌های سُغدی به‌شمار می‌رود و نیز زبان خوارزمی که تا قرن هشتم هجری در برخی نقاط منطقه رایج بوده، جزو زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی تقسیم‌بندی می‌شود. غیرازاین، شاخه زبان فارسی امروز که زبان رسمی ایران محسوب می‌گردد، تا مدت طولانی زبان رسمی در آسیای مرکزی بوده است. امروزه زبان فارسی در بین بسیاری از مردم ازبکستان به‌ویژه در شهرهای]ایرانی[سمرقند، بخارا و استانهای سرخان دریا و قشقه دریا ازجایگاه تاریخی، فرهنگی و علمی ویژه‌ای برخوردار است.

علاوه براین، ۸۰ درصد کتاب‌های قدیم و نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های کشورهای آسیای مرکزی به خط فارسی هستند. در ازبکستان بنا به آمارهای نهادهای غیررسمی، دو برابر جمعیت آن، فارس زبان (به واسطه تاجیک‌هایی که در ازبکستان سکونت دارند) هستند. البته در آمارهای رسمی، مردم ازبکستان ترک به شما می‌آیند، اما در این سرزمین زبان فارسی به خصوص در مناطق سمرقند و بخارا به گستردگی از زبان فارسی استفاده می‌شود. (صنعتی ب، ۱۳۹۵)

امروزه پارسی تاجیکی به‌طور گسترده در ازبکستان صحبت می‌شود و حتی در بیشتر نقاط این کشور زبان نخست است؛ به‌این دلیل که- شمار بسیار زیادی از باشندگان (جمعیت) ازبکستان تاریخ و فرهنگ خود را تاریخ و فرهنگ تاجیکی می‌دانند. تاجیک‌ها در سراسر ازبکستان ۷۰ درصد جمعیت سمرقند، پایتخت پیشین و دومین شهر بزرگ ازبکستان و بیش از ۹۰ درصد جمعیت بخارا را تشکیل می‌دهند. (میرسنجری، ۱۳۹۵؛ رمضانی بونش، ۱۳۹۶: ۲) ازاین‌جهت ضروری است پیوندها و مبادلات فرهنگی بیش از پیش قوی‌تری بین سه کشور

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

رسمی پارسی زبان دنیا یعنی ایران، افغانستان و تاجیکستان با تاجیکان ازبکستان برقرار شود.

ج) عامل نژاد

اتسویوکی اَکابه، پژوهشگر آسیای میانه در این باره می‌نویسد: «در دوران باستان مردم آبادی‌نشین آسیای میانه ایرانی بودند. از سده ششم میلادی به بعد چند موج از گروه‌های کوچی ترک‌تبار به‌آبادی‌های منطقه رخنه کردند و از جمله در وادی فرغانه سکنی گزیدند که در پی آن برخی از ایرانیان ویژگی‌های ترکی کسب کردند. ترک‌تباران در روستاها و شهرها ماندگار شدند. علی‌رغم روند تاریخی ترکی‌سازی منطقه شمار زیادی از مردم در محل‌های مختلف ایرانی باقی ماندند». (میرسنجری، ۱۳۹۵)

د) مفاخر و چهره‌های ملی

علاوه‌بر فرهنگ و زبان، دانشمندان و مفاخر مشترک بین این دو ملت نیز می‌تواند تا حد زیادی موجب همگرایی و توسعه روابط شود. به عنوان نمونه می‌توان از امیرعلی شیرنوایی و همچنین افرادی نظیر جامی، بهزاد و واعظ کاشفی، از سرآمدان شعر، هنر و عرفان آن روزگار بودند (محمدی و حسینی، ۱۳۸۷: ۲۰) را نام برد. واقعیت این است که بسیاری از مشاهیری که امروزه هم ایرانی‌ها و هم تاجیک‌ها، ترکمن‌ها، قزاق‌ها و ازبک‌ها به داشتن آنها مفتخرند، زمانی در قلمرو فرهنگی و تمدنی ایران می‌زیستند؛ ازاین نظر، این افراد از مفاخر مشترک ایران و کشورهای آسیای میانه هستند، که بزرگداشت آنها ملت‌های منطقه را هر چه بیشتر به یکدیگر نزدیک می‌نماید. ازجمله این بزرگان می‌توان به رودکی، ابوعلی سینا، شیخ نجم‌الدین کبری، فارابی، زمخشری، انوری، خوارزمی و کسایی مروزی اشاره کرد که مردم این منطقه هویت فرهنگی خود را مدیون آنها هستند. (ابراهیمی ترکمان، ۱۳۸۵: ۴۱)

هـ) سنت‌ها و آئین باستانی

سنت و آیین‌های باستانی که میراث کهن سرزمین ایران است، غالب ملت‌های آسیای مرکزی نسبت به آنها احساس تعلق می‌نمایند. به‌عنوان نمونه نوروز که به عنوان جشن بهار پارسی از طرف مجمع عمومی[1] در جلسه هفتاد و یکم سازمان ملل اعلام گردیده است، در سراسر آسیای مرکزی، جشن گرفته می‌شود و در بین کشوره‌هایی که نوروز را جشن می‌گیرند (که در گستره جغرافیایی جهان از غرب چین تا آناتولی، از شبه قاره هند و افغانستان در شرق

1. The General Assembly

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

تا بین‌النهرین در غرب و از سین‌کیانگ و آسیای مرکزی در شمال شرق تا دامنه‌های شمالی قفقاز بزرگ در شمال و آسیای صغیر در شمال غربی را شامل می‌شود)، ازبکستان به دلیل وجود فرهنگ پارسی در سمرقند و بخارا که در واقع از مراکز مهم این فرهنگ در آسیای مرکزی به شمار می‌روند، دارای جایگاه ویژه می‌باشد، و حتی گفته می‌شود در ثبت این رویداد فرهنگی در سازمان ملل ازبکستان یکی از فعال‌ترین کشورها بوده است.

و) دیپلماسی گردشگری

بی‌شک دیپلماسی از طریق گردشگری فرصتی را برای صلح و آشتی ملت‌ها و نزدیک شدن هرچه بیشتر آنها به یکدیگر فراهم می‌کند. ملت‌هایی که دارای درهم تنبیدگی فرهنگی و عقبه تمدنی‌اند، خیلی راحت‌تر قادرند در چارچوب فرصت‌های این صنعت بهره‌های لازم را ببرند.

آمارها در تأثر گردشگری بر اقتصاد جهانی نشان می‌دهد این بخش در برگیرنده ۱۰/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را شکل می‌دهد. در سال ۲۰۱۷ میلادی گردشگری به تنهایی حدود ۳۱۳ میلیون شغل (۹/۹ درصد از کل اشتغال جهان) ایجاد کرده است. (کنگره جهانی سفر و جهانگردی، ۲۰۱۸)[1] کشورهای مختلف در تلاشند تا با مهیاسازی و ارزشمند نمودن جاذبه‌های گردشگری در مناطق دارای پتانسیل، فرصت رضایت‌مندی و بهره‌مندی از ابعاد مثبت این صنعت را فراهم سازند.

ازبکستان در حکم پدر فرهنگی کشورهای آسیای مرکزی، دارای گنجینه‌های بی‌نظیر و کم–نظیری از نسخ خطی فارسی از دانشمندان و ادیبان ایرانی است. همچنین می‌توان به مراکز ایران شناسی در این کشور نظیر دانشگاه شرق‌شناسی، دانشگاه دولتی تربیت مدرس تاشکند، دانشگاه اسلامی تاشکند، دانشگاه ملی ازبکستان، دانشگاه زبان‌های جهان، پژوهشگاه شرق شناسی و ابوریحان بیرونی اشاره داشت. غیرازاین، علاوه‌بر زیبایی‌های طبیعی و آثار و ابنیه تاریخی و باستانی در دو کشور، فرهنگ و آداب و رسوم مشترک دو ملت نیز زمینه مناسبی برای تقویت روابط دو کشور محسوب می‌شود. وجود عناصر فولکولوریک مشترک بین ایران و آسیای مرکزی مخصوصاً ازبکستان همانند مراسم نوروز، آئین‌های شب یلدا و ... در این زمینه نقش اساسی دارد. دراین میان یکی از راه‌های گسترش توریسم فرهنگی ایجاد زمینه‌های مناسب جهت تمایل مردم به شناخت هویت تاریخی است. علاوه‌بر این، فراهم‌آوردن امکان سفر و

1. World Travel & Tourism Council

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

بازدید مردم منطقه آسیای مرکزی در شهرهایی که فرهنگ ایرانی- اسلامی در آنها نمود بیشتری دارد؛ همچون اصفهان، شیراز، تبریز، مشهد و... در مقابل ایجاد برنامه و فرهنگ‌سازی در زمینه گسترش سفرهای مردم ایران در قالب توریسم فرهنگی به شهرهای تاریخی و گاه افسانه‌ای تمدن ایران زمین مانند سمرقند و بخارا، زمینه‌ساز تقویت تعاملات فرهنگی و هنری دو کشور می‌گردد. براین اساس با توجه به مجموعه قابلیت‌های توریستی در ابعاد طبیعی، تاریخی، فرهنگی، مذهبی در دو کشور ایران و ازبکستان، حمایت دولت‌های دو طرف در معرفی این جاذبه‌ها به مردم می‌تواند در توسعه روابط فرهنگی دو کشور نقش مهمی داشته باشد.

درحالی که ایران به نسبت کشوری بسته در صنعت توریسم است، اما ازبکستان حداقل از دوره میرضیایف (۲۰۱۶م) به صورت جدی در پی توسعه زیرساخت‌های و بنیان‌های این صنعت است؛ این مسئله را می‌توان به روشنی در فرمان وی، مبنی بر صدور لغو روادید برای ۷ کشور (که قرار است به ۱۶ کشور برسد) و صدور ویزای آسان برای ۳۱ کشور مشاهده نمود. (پالتز، ۲۰۱۸)[1]

ازبکستان هم‌اکنون با قرار گیری در رتبه دوم کشورهای هدف در آسیا قرار دارد و در مقایسه با کشورهای منطقه آسیای میانه دارای بیشترین فرآوردهای گردشگری است. موقعیت مرکزی، میراث تاریخی، فرهنگی و غنی ازبکستان را تبدیل به یک کشور بین‌المللی از این نظر ساخته؛ به‌طوری که ازبکستان دارای انواع مختلفی از گردشگری فرهنگی، قومی، بهداشتی و اکولوژیکی است. همچنین، این کشور یکی از امن‌ترین کشورها برای مقصود گردشگری محسوب می‌شود؛ از این حیث ازبکستان در رتبه ۳۸ از بین ۱۶۲ کشور قرار گرفته است. (عبدوگانیویچ، ۲۰۱۷: ۴۸۳-۴۸۲)[2]

ازبکستان زمانی قلب جاده ابریشم به‌شمار می‌رفت: هم‌اکنون به دلیل تبلیغاتی که در سال‌های اخیر درباره سفر به کشورهای جاده ابریشم شده است، قرارگیری سه شهر بخارا، سمرقند و خیوه در مسیر جاده‌ای ابریشم، از جذابیت خاصی برای گردشگری برخوردار بوده، به‌طوری که سالانه هزارن گردشگر را به خود جذب می‌کنند. تنها از ژانویه تا سپتامپر ۲۰۱۷ میلادی، حدود ۱/۸ میلیون نفر از ازبکستان دیدن کردند که نسبت به سال مشابه گذشته (۲۰۱۶)، رشد ۱۷ درصدی را نشان می‌دهد. قابل ذکر است که توسعه زیرساخت‌های

1. Putz
2. Abduganievich

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

گردشگری در ازبکستان در سال‌های اخیر رشد نسبتاً بالایی داشته است؛ به‌طور ویژه ۱۱۷۶ سازمان گردشگری شامل ۶۲۱ متصدی تور و ۵۵۵ هتل در ازبکستان، با استاندارد بین‌المللی مدرنیزه شده است. همچنین که این کشور برای تسهیلات بهتر به گردشگران و بالا بردن سطح کیفیت خدمات، اقدام به انجام خدمات ریگان در راه‌آهن، فرودگاها و تورهای رایگان توریستی در کشور کرده است. برای تکمیل این فرایند، یکی از شگردهای مخصوص ازبکستان در جذب بیشتر گردشگر (از سال ۲۰۱۸ میلادی)، صدور روادید الکترونیک ازبک[1] است. از تاریخ ۱۵ جولای ۲۰۱۸ در ازبکستان سیستم صدور روادید الکترونیک اجرا، و از تابستان ۲۰۱۸ امکان دریافت روادید الکترونیک بدون نیاز به دعوت‌نامه برای تعدادی از کشورها عرضه شده است. (آذر نیور ازبکستان، ۹ ژانویه ۲۰۱۸) وبگاه «سیاره تنها» در طبقه‌بندی «۱۰ مقصد گردشگری برتر آسیا در سال ۲۰۱۸»، ازبکستان به عنوان کشوری که باید از آن بازدید شود، در رتبه دوم قرار داد. (سریواستاوا، ۲۰۱۸)[2]

ایران از حیث مقصد گردشگری در سال ۲۰۱۱ رتبه ۱۱۴ از بین ۱۳۹ کشور، در سال ۲۰۱۳، رتبه ۹۸ از بین ۱۴۰ کشور، در سال ۲۰۱۵ رتبه ۹۷ از بین ۱۴۱ کشور و در نهایت در سال ۲۰۱۷، رتبه ۹۳ را از بین ۱۳۶ کشور و در سال ۲۰۱۹ از بین ۱۴۰ کشور جهان، رتبه ۸۹ را به خود اختصاص داده است. (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۹)[3] امتیاز ایران در شاخص رقابت‌پذیری سفر و گردشگری[4] در سال ۲۰۱۷، عدد ۳/۴ بوده است.

همچنین رتبه ایران از جایگاه نهم در بین کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۱۵ به رتبه هشتم در سال ۲۰۱۷ رسید. طبق گزارش سال ۲۰۱۷ مجمع جهانی اقتصاد، ۵/۲ میلیون گردشگر بین‌المللی به ایران سفر کردند که با هزینه ارز آوری ۳/۵ میلیارد دلاری، سهم هر گردشگر ۶۵۵/۱ دلار بوده است. به‌طور کلی صنعت گردشگری با ارزش افزوده حدود ۱۰/۱ میلیون دلاری، سهم ۲/۵ درصد از کل کل تولید ناخالص داخلی ایران را تشکیل داده و با ۴۷۶ هزار شغل، سهم ۱/۹ درصدی از کل اشتغال کشور را به خود اختصاص داده است. (مجله الکترونیکی فایننسال تریبین، ۸ آوریل ۲۰۱۷)[5] با توجه به آمار و ارقام موجود مشاهد می‌شود

1. E-Visa.UZ
2. Srivastava
3. World Economic Forum
4. TTCI
5. Financial Tribune

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

ایران از منظر توریسم به‌طور مثال در قیاس با ترکیه (با داشتن حدود ۳۰ میلیون گردشگر در سال) بسیار توسعه نیافته است. با همه این کاستی‌ها، به تصدیق یونسکو ایران از نظر وجود آثار تاریخی و فرهنگی در میان نه کشور نخست جهان جای دارد و از منظر جاذبه‌های اکوتوریستی و تنوع اقلیمی نیز جزو ۱۰ کشور برتر دنیا می‌باشد. همچنین ایران از نظر تنوع صنایع دستی جزء سه کشور اول جهان محسوب می‌شود. (محسنی، ۱۳۸۸: ۱۵۲)

با توجه به سابقه و اشتراکات تاریخی- تمدنی ایران و کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه ازبکستان، به‌طور قطع گردشگری تاریخی یکی از زمینه‌های اصلی توسعه گردشگری بین دو کشور می‌باشد. واقعیت این است که ملت‌های دو طرف در بازدید از آثار و ابنیه تاریخی و باستانی پاره‌های گمشده شخصیت تاریخی خود را پیدا می‌کنند و به‌ویژه ما ایرانیان بهتر گستره فرهنگی و تمدنی خود را درمی‌یابیم. (اخوان‌کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۳) متقابلاً برای ملت ازبکستان، ایران و فرهنگ ایران بخش جدایی‌ناپذیری از تاریخ و گذشته آن را تشکیل می‌دهد. در ازبکستان ابنیه‌های تاریخی فراوانی است که در آن جلوه‌های تمدن و تاریخ ایران نهفته است.

۵-۳) لزوم گسترش و تقویت روابط اقتصادی

بی‌شک یکی از اهداف دیپلماسی فرهنگی تمرکز بر مناسبات اقتصادی کشورها است. داشتن روابط اقتصادی گسترده کشورها در عرصه منطقه‌ای (با همسایگان و کشورهای منطقه) و در عرصه جهانی (با کشورهای جهان) به خودی خود نشان از عمق روابط کشورها در عرصه بین-الملل است. بدیهی است که کسب اهداف اقتصادی یکی از دلایل لزوم برقراری روابط فرهنگی است. بی‌شک درهم تنیدگی روابط فرهنگی ایران و ازبکستان هنگامی به یکی از نتایج مهم خود دست می‌یابد که بتواند منجر به تعمیق روابط اقتصادی دو کشور شود.

بنیان‌های اصلی اقتصاد ازبکستان متکی بر کشاورزی، بخصوص تولید و صادرات پنبه به بیشتر نقاط جهان است. همچنین که از حیث دارا بودن منابع هیدروکربن و بعضی از فلزات با ارزش نظیر طلا، مس و اورانیم، ازبکستان کشوری پیشرو است. (دیده‌بان کشور، ۲۰۱۸: ۶)[1] پیشبینی برای تولید ناخالص داخلی ازبکستان در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ میلادی به ترتیب رشد ۵/۶ و ۵/۸ درصد عنوان شده است. (وبسایت کانون اقتصاد، ۲۰۱۸)[2]، که پیشبینی شده

1. Country Watch
2. Focus Economics

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

در ۲۰۲۰ به ۶ درصد برسد. (بانک توسعه آسیایی، ۲۰۱۹)[1]

بی‌تردید در برهه کنونی اقتصاد مهمترین دلیل و انگیزه گسترش روابط ایران و ازبکستان است. ایران و ازبکستان در ۲۵ سال گذشته همکاری‌هایی اقتصادی هرچند محدودی داشته‌اند، که خروجی آن بیش از ۵۹ اسناد امضا شده و کمیسیون‌های مشترک بین دولتی بوده است. حجم مبادلات تجاری بین دو کشور در سال ۲۰۱۴ حدود ۳۷۴/۹ میلیون دلار برآورد شده است. تاکنون (۲۰۱۷) با مشارکت سرمایه‌گذاری ایران بیش از ۱۱۶ کارخانه در ازبکستان فعال گردیده است. واقعیت آن است که با فراهم شدن زمینه‌ها، بسترهای همکاری‌های اقتصادی دو کشور گسترده‌تر است. (رمضانی بونش، ۱۳۹۶: ۱)

تعمیق روابط و مبادلات اقتصادی دو کشور با توجه به محصور در خشکی بودن ازبکستان می‌تواند در حوزه بازرگانی و توسعه خطوط مواصلاتی راه‌آهن باشد؛ به همین دلیل یکی از محورهای مهم گفت‌وگوها میان ایران و ازبکستان، عموماً ساخت‌وساز و راه‌اندازی مسیرهای ترانزیتی است؛ به‌ویژه کریدورهای مزارشریف- هرات؛ ازبکستان- ترکمنستان- ایران- عمان؛ چین- قزاقستان- ازبکستان- ترکمنستان- ایران و باکو- قارص و هاب لوجستیکی چابهار که می‌تواند در پروژه کریدور شمال- جنوب با مشارکت ایران و ازبکستان صورت پذیرد.

رویکردهایی چون راه‌اندازی قطار مسافرتی ایران- ازبکستان و بنیان دالان ازبکستان- ترکمنستان- ایران- عُمان و کوشش دو کشور در بهره‌برداری از پروژه خط‌آهن سراسری افغانستان بی‌تردید به نفع هر سه کشور در همکاری‌ها چندجانبه است؛ زیرا یکی از اهداف ازبکستان دسترسی آسان به بنادر آزاد ایران (بندر عباس و چابهار) و پاکستان (گوادر و کراچی)، از طریق افغانستان است. (کریموا، ۲۰۱۸)[2] توجه و علاقه تاشکند به بندر چابهار، به دلیل نزدیک‌ترین مسیر دستیابی بازرگانان ازبکستانی به آب‌های آزاد است. همچنین ازبکستان علاقه‌مند به خریداری نفت از ایران و توجه به همکاری‌های گازی (ازبکستان یازدهمین تولیدکننده گاز دنیاست) است.

غیرازاین، با برگزاری کمیسیون مشترک همکاری‌های همه‌جانبه میان دو کشور، مذاکراتی راجع به تعرفه ترجیحی، علاقه‌مندی کارآفرینان و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی دو کشور، تقویت ارتباطات بانکی به‌عنوان زیربنای تبادلات اقتصادی، بخش از زمینه‌های همکاری

1. Asiana Devlopment Bank
2. Karimova

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

اقتصادی میان ایران و ازبکستان است. بدیهی است با تعمیق روابط اقتصادی، می‌توان حجم مبادلات سالانه اقتصادی میان ایران و ازبکستان (که تا سال ۲۰۱۵ حدود ۴۲۰ میلیون دلار ذکر شده است) را به مرز یک میلیارد دلار در سال رساند. آنچه مشخص است روابط دو کشور به‌رغم عضویت ایران و ازبکستان در سازمان همکاری اقتصادی اکو و حضور ایران به‌عنوان عضو ناظر در سازمان شانگهای می‌تواند از رشد مناسبی برخوردار شود (رمضانی بونش، ۱۳۹۶: ۳-۲).

به‌طورکلی اهمیت توجه به توسعه اقتصادی و تجاری با ازبکستان به شرح زیر است:

۱- ازبکستان پرجمعیت‌ترین کشور آسیای مرکزی است؛

۲- اهمیت این کشور به لحاظ موقعیت آن در قلب آسیای مرکزی و واسطه عبوری به سایر کشورها است. ازبکستان از طریق ترکمنستان و افغانستان با ایران ارتباط زمینی دارد؛

۳- ازبکستان جزو ۳۰ کشور در حال الحاق در سازمان جهانی تجارت می‌باشد؛

۴- ترانزیت پنبه (ازبکستان چهارمین تولید کننده پنبه و دومین کشور صادرکننده این محصول در جهان است) از طریق ایران به سایر کشورها؛

۵- امکان توسعه مناسبات اقتصادی و ترانزیتی ایران با همکاری‌های سه جانبه ایران، افغانستان و ازبکستان؛ و

۶- منابع و ذخایر معدنی ازبکستان شامل مس، اورانیوم، طلا، نفت، گاز، ذغال سنگ و... می-باشد. (سازمان توسعه و تجارت ایران، ۱۳۹۸: ۴)

۵-۴) تجزیه و تحلیل و ارائه راهکار: اهمیت دیپلماسی فرهنگی در احراز سیاست خارجی توسعه‌گرا و بسط همگرایی دو کشور

مراد از سیاست خارجی توسعه‌گرا، سیاستی است که در همه زمینه‌ها (اقتصادی، امنیتی، سیاسی، محیط زیستی و...) بتواند میان مقتضیات ملی، منطقه‌ای و جهانی یک ارتباط منطقی برقرار نماید و در نهایت با در نظر گرفتن اقتدار ملی و هم‌راستایی با منافع ملی، منجر به تعالی، رشد و شکوفایی کشور در تمامی سطوح گردد. دراین‌راستا استفاده از فرهنگ و به خدمت گرفتن ابزارهای فرهنگی در دیپلماسی در مقایسه با سایر ابزارها و اهرم‌های رایج در روابط بین‌الملل، در چارچوب کمک‌رسانی به سیاست خارجی توسعه‌گرا دارای مزایایی است، از

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

جمله: ۱) استفاده از راهبرد «دیپلماسی فرهنگی» در تعامل با کشورهای مقصد، واکنش و حساسیت کمتری به همراه دارد؛ ۲) دیپلماسی فرهنگی عاری از هرگونه لحن خصمانه و آمرانه است؛ ۳) مهیاسازی حضور جدی‌تر و مجال بیشتری برای ایفای نقش موثرتر توسط بازیگران غیررسمی و نهادهای مدنی؛ ۴) کشف، تعریف و ترویج ارزش‌ها و منافع مشترک و جهان شمول؛ ۴) فراهم آوری زمینه‌هایی برای مفاهمه بیشتر و بهتر میان کشورها، ملت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون؛ ۵) خلاقیت و انعطاف‌پذیری بالای دیپلماسی فرهنگی نسبت به دیپلماسی سُنّتی (خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۹)؛ و ۶) ایجاد نهادهای علمی، فرهنگی جدید به منظور برقراری روابط پایدارتر در بین جوامع مختلف.

واقعیت آن است که سیاست خارجی ج.ا. ایران آن‌گونه که باید نتوانسته از ظرفیت‌های کم هزینه منطقه‌ای بهره لازم را ببرد. مراد از «ظرفیت‌های کم هزینه منطقه‌ای»، حضور در مکان‌هایی است که بیشترین پذیرش، با کمترین هزینه و حساسیت را به همراه داشته باشد. مکان‌های تمدنی با عقبه و علقه‌های فرهنگی، معمولاً از چنین ویژگی‌هایی برخوردارند. مناطق فرهنگی تمدنی ایران شامل آسیای مرکزی، افغانستان، قفقاز، شبه‌قاره، آسیای صغیر، بخشی از بالکان و شامات قدیم است. آسیای مرکزی علی‌رغم پتانسیل بالا (از حیث زمینه‌های حضور اقتصادی، امنیتی، سیاسی، فرهنگی و...) و علی‌رغم وابستگی طبیعی جغرافیایی به نقش گذرگاهی ایران در زمزه فضاهای مغفول (مانند اغلب مناطق و مکان‌های تمدنی) در سیاست خارجی کشور است، و به همین سبب این فرصت‌سوزی، تبدیل به فرصت‌سازی رقبا و دشمنان ج.ا.ایران (از جمله روسیه، اسرائیل، آمریکا، هند و اروپا) در جهت نفوذ و حضور در این جمهوری‌های پنج‌گانه شده است. بدیهی است که این عدم حضور به موقع، نه تنها از حیث از دست رفتن فرصت‌ها دارای اهمیت است، بلکه به‌خودی‌خود تبدیل به فرصت تهدید (از سوی رقبا و دشمنان) می‌شود. بدیهی است، حضور به موقع ایران در مناطق خاص تمدنی بستر مناسبی را برای نقش آفرینی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای فراهم می‌سازد (بحرانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۵).

روابط ایران و ازبکستان طی بیش از دو دهه (۲۵ سال) در عصر حاکمیت کریم‌اف نه متکی بر واقع‌گرایی، که منبعث از حاکمیت رادیکال ایدئولوژی مذهبی (شیعی- سنی) بوده است. در امر واقعیت، ایران و ازبکستان هیچگاه از روابط گرم و دوستانه‌ای (علی‌رغم

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

وجود ظرفیت‌های بالقوه و نیازمندی‌های دو سویه) برخوردار نبودند و هر دوکشور از حیث سیاست خارجی مسیر انزوا و انفعال را برگزیدند. تصویر نادرستی که از ایران در عرصه روابط بین‌الملل وجود دارد و نداشتن یک برنامه استراتژیک برای دیپلماسی فرهنگی کشور و عدم ترسیم نقشه راه روابط فرهنگی بین‌المللی ایران، فرصت‌های گوناگون توسعه کشور را در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به خطر انداخته است. ج.ا.ایران باید در قالب دیپلماسی فرهنگی باز و شفاف تلاش نماید از هویت ایران امنیت‌زدایی کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

تمرکز بر دیپلماسی فرهنگی ضمن کمک به سیاست خارجی توسعه‌گرا، به خودی خود باعث تعمیق روابط دو کشور در سایر زمینه‌ها خواهد شد. به‌طور کلی دیپلماسی فرهنگی ایران و ازبکستان علاوه بر موارد یاد شده، می‌تواند متمرکز بر زمینه‌های ذیل باشد:

۱. تمرکز بر گونه‌های متنوع گردشگری (تجاری، فرهنگی، مذهبی، تاریخی، غذایی، اکوتوریسم، سلامت و...). از این جهت هر دو کشور دارای پتانسیل‌های بالایی‌اند؛

۲. همگرایی از طریق ترویج خط و زبان فارسی در کشورهای تمدنی هدف نظیر ازبکستان و سایر کشورهای آسیای میانه و حوزه تمدنی ایران؛

۳. فراهم کردن زمینه‌هایی از طریق فعالیت‌های فرهنگی – هنری چون ترویج موسیقی، تئاتر، عکاسی، نمایشگاه عکس، دیپلماسی اکادمیک و ...؛

۴. تأسیس مرکز یا مؤسساتی با محوریت ایران (به‌عنوان پدر معنوی) که به نوعی باعث گردآمدن کشورهای حوزه تمدنی ایران باشد. مثلاً مرکز یا مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای یا جهانی با محوریت نوروز و تمدن ایرانی؛

۵. تمرکز بر یک منطقه‌گرایی متشکل از کشورهای حوزه تمدنی ایران. اغلب جمهوری‌های آسیای مرکزی عضو پیمان شانگهای هستند و یا عضویت هند، پاکستان در منطقه سارک؛ حال آنکه ایران از حیث تجانس جغرافیایی- فرهنگی خود می‌تواند کانون یک منطقه‌گرایی باشد؛

۶. تبلیغ و تأکید بر ریشه‌های تاریخی فرهنگ و تمدن مشترک از طریق معرفی مفاخر دینی و ملی (حق‌گو، ۱۳۹۸: ۱۸۸) و معرفی چهره‌های فرهنگی مشترک در قالب برگزاری هزاره‌ها، جشن، بزرگداشت، سمینار و...، شامل شاعران، ادیبان و فیلسوفانی نظیر شیرنوایی،

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

جامی، بهزاد، کاشفی، رودکی، ابن‌سینا، شیخ نجم‌الدین، فارابی، زمخشری، انوری، خوارزمی، کسایی و...؛

۷. ایجاد زمینه‌ها، زیرساخت‌ها و تدوین راهبردهای فرهنگی و سیاسی تشویقی که مردم دو کشور بتوانند به راحتی رفت و آمد داشته باشند؛

۸. همکاری فعال، پیوسته و معنی‌دار با سازمان‌ها، نهادها و مؤسسات فرهنگی مروج صلح، توسعه و همگرایی منطقه‌ای و جهانی نظیر یونسکو، ایسیسکو، ارسیکا و...؛

به‌طوراجمالی دیپلماسی فرهنگی در چارچوب مبادله اندیشه‌ها، انگاره‌ها، ایده‌آل‌ها، اطلاعات، هنر، دانش، مهارت‌ها، باورها، سنت‌ها و هرآنچه باعث ارتباط بین ملل کشورها شود، را شامل می‌شود. ازآنجایی که دیپلماسی فرهنگی یک کلیت صلح‌گرا و توسعه محور است؛ به‌نظر می‌رسد که استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی می‌تواند ابزار قابل اتکایی برای کسب و ارتقای اعتبار و جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل و در مجموع مکمل مناسبی برای تقویت و رشد سیاست خارجی توسعه‌گرا باشد. ازاین‌منظر ایران به لحاظ داشتن ظرفیت‌های بالای فرهنگی می‌تواند یک کشور پیشرو در این زمینه باشد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

۶) نتیجه‌گیری

در این مقاله روابط ایران و ازبکستان در چارچوب مؤلفه‌های فرهنگی اثرگذار مورد بحث و بررسی قرار گرفت. مدعای مقاله این گونه بوده است که ایران به حیث دارا بودن یک ظرفیت تمام عیار فرهنگی- تمدنی، قادر است در راستای توسعه صلح و همکاری از این راهبرد تحت عنوان یک سیاست خارجی توسعه‌محور در حوزه تمدنی خود از این ظرفیت بالقوه بهره لازم را ببرد. یکی از حوزه‌های تمدنی ایران به‌طور عام آسیای مرکزی و به‌طور خاص کشور ازبکستان است. پیشینه سیاست و روابط خارجی ایران نشان می‌دهد- علی‌رغم ظرفیت‌های بالقوه، ایران حداقل در حوزه روابط فرهنگی منفعل عمل کرده است. بدیهی است که این غفلت نباید مداومت داشته باشد؛ زیرا ورود به حوزه‌های تمدنی نسبت به سایر حوزه‌های پیرامون، یک ورود کم‌هزینه، مطمئن و ضروری است و ازسویی با اقتضائات امنیتی کشور گره خورده است. حوزه تمدنی آسیای مرکزی از حیث جمعیتی (جمعیت جوان و جویای کار)، اقتصادی (منابع هیدروکربنی چون نفت و گاز و انواع منابع طبیعی و معدنی چون اورانیم، مس و..)، استراتژیکی (به واسطه پیمان‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی چون پیمان شانگهای، همسایگی با روسیه، چین، ایران و ترکیه) و ژئوپلیتیک (محصور بودن در خشکی و نقش ژئوپلیتیک دسترسی ایران، همسایگی با افغانستان، دریای خزر و خلیج فارسی و...) دارای اهمیت ویژه است. جمهوری ازبکستان به عنوان یک کشور در منطقه آسیای مرکزی نیز از همین ظرفیت‌ها برخوردار است. به‌نظر می‌رسد از سال ۲۰۱۶ با روی کار آمدن میرضیایف در ازبکستان و به دنبال آن تغییرات و دگرگونی‌های ملموس در امور زیربنایی و تمایل این کشور به ارتباط گسترده با جهان و کشورهای منطقه و از جمله ایران؛ این یک موقعیت مناسب برای برقراری روابط گرم با جمهوری ازبکستان است. بخصوص اینکه- رئیس دولت جدید ازبکستان نیز چنین عقیده‌ای دارد. ازاین‌رو ایران و ازبکستان با الگو قرار دادن «دیپلماسی فرهنگی» در سرلوحه روابط خارجی دو سویه، قادرند با گذر از عصر انفعال و سردی روابط دوران کریم-اف، در تمامی زمینه‌ها روابط همگرا و روبه‌رشدی را تجربه نمایند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

۷) منابع و ماخذ

امیراحمدیان، بهرام (۱۳۹۷). *«ماهیت تغییر سیاست در ازبکستان و تاثیر آن بر روابط تهران- تاشکند»*، موسسه مطالعات آسیای مرکزی و افغانستان (ایراس)، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۷/۴/۳۰.

اشرافی، مرتضی (۱۳۹۶). *«ازبکستان بعد از کریم‌اف و ترسیم جریان شناسی دینی سیاسی آینده»*، مرکز جامع پژوهش‌های تکفیری، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۶/۲۷.

التیامی‌نیا، رضا، تقوائی‌نیا، علی (۱۳۹۵)، تبیین نقش و جایگاه قدرت نرم در تحقق اهداف سیاست داخلی و خارجی، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره ۳، صص ۱۹۶-۱۶۷.

اخوان‌کاظمی، مسعود و مرادی، حدیث (۱۳۹۰). «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی؛ فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۷۴، صص ۴۴۸-۴۳۳.

اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۸۹) . *مرزهای ناپدید*، تهران: یزدان و شرکت سهامی انتشار.

ابراهیمی ترکمان، ابوذر (۱۳۸۵). «نقش فرهنگ در توسعه روابط جمهوری اسلامی با کشورهای آسیای مرکزی»، *ماهنامه ایراس*، شماره ۱۴.

بحرانی، مرتضی، حسین، سیدمالک و ملکی، محمود (۱۳۹۱)، «فرصت‌های ایران برای تبدیل به قدرت منطقه‌ای»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال دوم، شماره ۱، صص ۵۴-۲۹.

تقی‌پور، عادل (۱۳۹۶)، «سازه‌انگاری و مطالعهٔ ایران و فرهنگ در سیاست جهانی»، *فصلنامه تخصصی مطالعات روابط فرهنگی بین‌الملل*، سال دوم، شماره ۱، صص ۹۴-۷۳.

حق‌گو، جواد (۱۳۹۸)، «ظرفیت‌های نرم افزارنه سیاست خارجی ج.ا.ایران در منطقه ایران فرهنگی»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال نهم، شماره ۴، صص ۱۹۷-۱۷۳

حق‌پناه، جعفر و همکاران (۱۳۹۳)، *قدرت نرم ایران در آسیای مرکزی و قفقاز*، تهران: موسسه ابرار معاصر.

خدایار، ابراهیم (۱۳۹۷). «موانع و راهکارهای گسترش خط، زبان و ادب فارسی در کشورهای حوزه تمدنی مشترک»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال نوزدهم، شماره ۲، صص ۲۲-۳.

خانی، محمدحسن (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، *فصلنامه دانش سیاسی*، دوره اول، شماره ۲، صص ۱۴۸-۱۳۵.

درخشه، جلال، اسماعیلی کلیشمی، علیرضا (۱۳۹۶)، «دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا؛ فرصت‌ها، تهدیدها و راهبردها»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال هفتم، شماره ۲، صص ۵۳-۲۷

دهشیری، محمدرضا و طاهری، مهدی (۱۳۹۵). «دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۹۴، صص ۴۲-۱.

دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال و رادفر، فیروزه (۱۳۸۹). *الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

رمضانی بونش، فرزاد (۱۳۹۶). *«بسترهای نوین گسترش روابط ایران و ازبکستان»*، شبکه مطالعات سیاست

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

گزاری عمومی، شماره مسلسل: ۳۳۰۰۴۰۸، شماره شاپا: ۵۳۸۵-۲۴۲۳، ۱۳۹۶/۸/۱۴.
زرشناس، زهره (۱۳۷۴). «معرفی فرهنگ سغدی»، *فصلنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی*، سال اول، شماره ۲، صص ۱۳۱-۱۲۶.
شهرام‌نیا، مسعود و نظیفی‌نائینی، ناهید (۱۳۹۳). «تبیین تأثیر جهانی شدن بر دیپلماسی فرهنگی در روابط بین‌الملل با تأکید بر نظریه صلح‌سازی، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گزاری عمومی*، سال پنجم، شماره ۱۲، پیاپی ۱۵، صص ۶۸-۴۱.
صنعتی، محمدحسن (۱۳۹۵الف). *«گذشته و حال زبان فارسی در آسیای مرکزی»*، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۱۱/۲۰.
صنعتی، محمدحسن (۱۳۹۵ب). *«وضعیت فارسی ستیزی در آسیای مرکزی»*، *مرکز بین‌المللی مطالعات صلح*، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۱۱/۳۰.
صالحی‌امیری، سیدرضا و محمدی، سعید (۱۳۹۵) . *دیپلماسی فرهنگی*، تهران: نشر ققنوس.
عطایی، فرهاد، کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۱). تأملی بر سیاست خارجی جمهوری ازبکستان از منظر نظریه پیوستگی، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۷۸، صص ۱۳۶-۱۰۷.
کوزه‌گرکالجی، ولی (۱۳۹۸). *«حوزه‌های تحول در سیاست خارجی ازبکستان در دوره شوکت میرضیایف»*، ایراس (موسسه مطالعات ایران و اوراسیا)، ۱۳۹۸/۶/۲۳.
کبریایی، علی (۱۳۹۰). «اسلام سیاسی در آسیای مرکزی: بررسی فرصت‌ها و چالش‌های جمهوری اسلامی ایران»، *مجله علوم اجتماعی (روابط فرهنگی)*، سال اول، شماره ۳، صص ۸۰-۵۶.
کولایی، الهه و خوانساری، جواد (۱۳۹۱). «ریشه‌های اسلام‌گرایی در ازبکستان»، *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، سال اول، شماره ۲، صص ۷۸-۵۵.
میرسنجری، مهرداد (۱۳۹۵) .*«نگاه تاشکند به ملی‌گرایی تاجیکی در ازبکستان»*، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۵/۵/۱۰.
محسنی، رضاعلی (۱۳۸۸). «گردشگری پایدار در ایران، کارکردها چالش‌ها و راهکارها»، *فصلنامه فضای جغرافیایی*، سال نهم، شماره ۲۸، صص ۱۷۱-۱۴۹.
محمدی، ذکراله و حسینی، مرضیه (۱۳۸۷). « مناسبات امیرعلی شیرنوایی با سه تن از نخبگان فرهنگی هم‌عصرش»، *مجله علمی- تخصصی تاریخ ایران و اسلام*، شماره ۴، صص ۳۹-۲۳.
متقی، ابراهیم و کاظمی، حجت (۱۳۸۶). «سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، دوره سی‌وهفتم، شماره ۴، صص ۲۳۷-۲۰۹.
همکاری دوجانبه ج.ا.ایران و ازبکستان، سازمان توسعه و تجارت ایران، *دفتر بازرگانی کشورهای اروپا و آمریکا*، فروردین ۱۳۹۸، صص ۵-۱.
هادیان، ناصر (۱۳۸۲). «سازه‌انگاری از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال هفدهم، شماره ۶۸، صص ۹۵۰-۹۱۵.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

Abduganievich, Eshtaev A (2017). "Tourism and Marketing in Uzbekistan", *International Journal of Economics*, Commerce and Management, Vol. 5, No. 9, pp. 477-485.

Bowyer, Anthony C (2018). "Political Reform in Mirziyoyev's Uzbekistan: Elections, Political Parties & Civil Society", *center Asia – caucus institute skil Road Studies Program*, American Foreign Policy Council, Washington D.C

Cummings, Milton (2003). Cultural Diplomacy and the US Government: A Survey Washington DC: Centre for Arts and Culture.

Fazendeiro, Bernardo (2018). "Spirituality and anti-Western rhetoric in Uzbekistan in the early 2000s: the consequences of international misrecognition", *Post-Soviet Affairs* , Vol.34, No.4, Pp. 228-245.

Huang, Nellie (2016). "Uzbekistan's Trio: Samarkand, Bukhara, and Khiva", Available at: https://www.gadventures.com/blog/uzbekistans-trio-samarkand-bukhara-and-khiva (Accessed on: 7/12/2016).

Iran's WEF Tourism Ranking Improves, *Financial Tribune,* Available at: https:// financialtribune.com/articles/people.../irans-wef-tourism-ranking-improves, (Accessed on: 8/4/2017).

Guzzini, Stefano, and Leander, Anna (2006). Alexander Wendt and his critics, Constructivism and International Relations, Rutledge

Karimova, Zilola (2018) . "Connecting Asia: Uzbekistan Looks to Capitalize on Central Asia's Transport Potential", The Diplomat, Available at: https://thediplomat.com/.../ connecting-asia-uzbekistan-looks-to-capitalize-on-central-a (Accessed on: 12/4/2018).

Smart tourism to be developed in Uzbekistan, *Azar News*, Available at: https://www. azernews.az/region/125198.html (Accessed on: 9/1/2018).

Srivastava, Priya (2018). "Uzbekistan to introduce e-visa for 51 countries including India from July 15", Available at: https://timesofindia.indiatimes.com/travel/ destinations/ Uzbekistan -to- introduce-e-visa-f (Acceed on: 7/7/2018).

Nye, Joseph (2011). the Future of Power, New York: Public Affairs.

Putz, Catherine (2018) . "Citizens of 39 countries promised simplified visa procedures and 7 countries granted visa-free travel to Uzbekistan", *UZBEKISTAN TRAVELS AUTHORIZATION SERVICE*, Available at: https://thediplomat.com /2018/02/ uzbekistan-loosens-visa-controls-again (Accessed on: 6/2/2018).

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]

Putz, Catherine (2018). What Did the Uzbek Foreign Minister's Iran Visit Achieve?, The Diplomat (Acceed on: 13/02/2018).

World Travel & Tourism Council (2018). "Travel & Tourism Economic Impact 2018 World, " march 2018 Available at: https://www.wttc.org/-/media/files/reports/economic-impact...2018/world2018.pdf, Pp. 1-20

UNWTO (2012) . "Tourism Highlights", World Tourism Organization.

Weitz, Richard, Herbst, John (2018). "Uzbekistan's New Foreign Policy: Change and Continuity under New Leadership", institute for security & Development policy, Available at: isdp.eu/publication/uzbekistans-new-foreign-policy (Accessed on: January 22, 2018).

World Economic Forum (2019). Travel & Tourism Competitiveness Index, Available at: https://reports.weforum.org

Wahyu, Wicaksana (2013). "The Constructivist Approach towards Foreign Policy Analysis", Available at: citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi= 10.1.1.465.6017 &rep=rep1

Uzbekistan- Country Review, *Country Watch Website to the World*, 2019, Available at: http//: WWW. Country watch. Com

Uzbekistan Economic Outlook, Focus Economics, Available at: https://www.focus-economics.com (Accessed on: 3/6/2018).

Uzbekistan Abolishing Visas for Nationals of 27 Countries, *The Tashkent Time*, and Available at: tashkenttimes.uz/national/251-uzbekistan-abolishing-visas-for-tourists-from-27-countr (Accessed on: 7/12/2016)

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۲۰۲

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

زرقانی، سیدهادی؛ احمدی، ابراهیم؛ حکیمی‌خرم، علی (۱۳۹۹)، «اهمیت نقش و جایگاه دیپلماسی فرهنگی در بسط روابط ایران و ازبکستان» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۰، ش۲، تابستان ۹۹، صص ۳۱-۵۶.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.2.2.5]